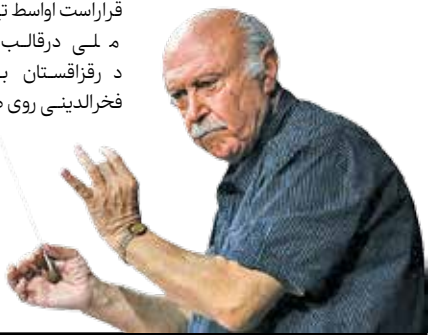


رقص سازهای ملی در «آستانه»

قرااست اواسط تیرماه ارکسترسازهای م ملی درقالب جشنواره «سرپر» د رفرقاستان با نظارت فرهاد فخرالدینی روی صحنه برود. «فرهاد فخرالدینی» نامی است که با موسیقی ایرانی و هنرش با سازهای ایرانی گره خورده و عجین شده



بزرگداشت عباس کیارستمی در روزنامه ایران برگزار شد

راوی جان و جهان ایرانی

نگار مشعوری
روزنامه‌نگار

دو سالی می شود که «ترک مزرحه» لواسان مردی را در آغوش کشیده است که دیدن راه‌ها و برف‌ها و سایه روشن ابرو خورشید و در نهایت جان ایرانی را با نگاهش به ما آموخت. ۱۴ تیرماه که از راه برسد، سفر بی‌پایان عباس کیارستمی وارد سومین سال می شود. به همین بهانه هشتم تیرماه درست در میانه سالروز تولد و مرگ او، برخی اهالی فرهنگ و هنر به روزنامه ایران آمدند تا ضمن تماشای مستند «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه» ساخته سیف‌الله صمدیان، از تأثیر منامی زندگی در قاب تصویرگری بگویند و بشنوند، که حالا نه در قاب مرگ، بلکه در قاب خاطره‌ها نشسته است.

۷۶ سال و ۱۴ یک روز

مراسم با پیامی از داریوش مهرجویی آغاز می‌شود. او که به اجبار آلودگی‌های پایتخت، سکونت در شمال کشور را برگزیده به‌صورت ضمنی گلایه‌اش را از روند پیگیری پرونده پزشکی کیارستمی این گونه بیان می‌کند: «همچنان تسلیت می‌گویم به هنرمندان که چنین عزیزی را بی‌خود و بی‌جهت از دست دادند و گلایه می‌کنم از وزارت بهداشت که واکنش در حد انتظار را در پیگیری پرونده عباس کیارستمی نشان نداد.» در آیین ابتدایی مراسم، پیش از نمایش مستند «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه»، سازنده آن سیف‌الله صمدیان در سخنانی کوتاه درباره انتخاب این عنوان می‌گوید: «عباس آقا، ۷۶ سال و ۱۴ روز عمر کرد و این یک روز را هم من در کار خدا فضولی کردم و به عمرش افزودم؛ بابت آن یک روزی که از فرانسه به ایران آوردمیش به این قصد که این مرد هیچ وقت نتواست آن سوی مرز ایران را انتخاب کند چه برای کار و چه زندگی»

غوغای نگاهش

پس از نمایش مستند و پیش از گفت‌وگوی پرویز جاهد (منتقد

است. موسیقیدان، آهنگساز و رهبر ارکستری که کارنامه پرپراش، گواه سال‌ها تلاش او درعرصه موسیقایی این بوم و پر بوده است.فخرالدینی می‌گوید: «موسیقی یکی از زیباترین راه‌ها برای بیان ارزش واقعی یک ملت در دنیاست ومی‌تواند نقشی مهمی در داخل و خارج از کشور داشته باشد. موسیقی ایران مثل شعر ما پیشینه بسیار خوبی دارد وگوش کردن به آن

نشان از یک نوای با اصل و نسب و یک فرهنگ غنی در پشت آن است ودر هرکجا حضور دارد همه را به سمت خود جذب می‌کند و تفاوت‌ها را خودنمایی می‌کند. در اجرای ارکستر سازهای ملی که با نظارت فرهاد فخرالدینی، رهبری علی‌اکبر قربانی و خوانندگی وحید تاج است هفت ارکستر از آکادمی فیلارمونی آستانه و همچنین ارکسترهای ملی از چندین کشور از جمله کره، داغستان،

مقدونیه و قرقیزستان برای اجرای برنامه دعوت شده‌اند. اتفاقی که در پی تفاهمنامه همکاری وزیر فرهنگ و ورزش قزاقستان و ایران وهمچنین بر سرسی‌مینه هسایم‌سکار رئیس‌رهران ارکستر دو کشور صورت گرفته است.این نخستین بار است ارکستری که تمام ترکیب آن را سازهای ایرانی تشکیل می‌دهند در خارج از ایران به روی صحنه می‌رود. در این برنامه،

قطعاتی خاطره انگیز از جمله بهار دلکش از درویش خان، بهار من از علی تجویدی، قطعه‌ای بی‌کلام از علی اکبر قربانی و حدود سه تابلوی بسیار زیبا از استاد ابوالحسن صبا اجرا می‌شود. در این اجراها، چند قطعه از آثار فرهادفخرالدینی، شامل «ابن سینا» و قطعه «موج» که اجراهای مختلفی با خواننده‌های متعدد داشته‌اند، نیز اجرا می‌شود.



تکمیل تصمیم مصدمی ایران

به بهانه نمایش مستند «۷۶ دقیقه و پانزده ثانیه با کیارستمی»

صمد و احضار روح بی‌قرار عباس!

صادقانه بگویم، کنجکاو و ذوق تماشا جای خود، اما پیش از آنکه چراغ‌ها خاموش شود و فیلم به نمایش درآید، آتشی بر جان نداشتم. انتظارم «مستند پرتره» او بود مثل بسیاری از مستند پرتره‌هایی که در این سال‌ها دیده بودم. گرییم، سوژه این یکی در دانه از دست رفته‌ای بوده چون عباس کیارستمی؛ که طبعاً پر جاذبه‌های فیلم بیفزاید.

انتظار داشتم – به قول پرویز جاهد – تصاویری از کیارستمی به نمایش درآید و به تناوب نیز آدم‌هایی بیایند و بنشینند جلوی دوربین سیف‌الله صمدیان و



حسین مسلم دبیر گروه فرهنگی

بیش از پیش خالی است» بهزاد شیشه‌گران (نقاش و گرافیست) نیز طی سخنانی، شاهکار ساختن از هیچ را از شاخصه‌های بارز کیارستمی عنوان می‌کند: «نگاهش به‌هر موضوعی که زوم می‌شد از آن یک حادثه و اتفاق مهم می‌ساخت. در عالم‌نقاش هامی‌گویم هنرمند کسی است که از هیچ، چیز می‌سازد و کیارستمی بواقع هنرمند بود.»

اوج گرفتن در سرزمین موانع

بخش پایانی مراسم به گفت‌ووی پرویز جاهد و سیف‌الله صمدیان اختصاص داشت. جاهد «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه» را نزدیک‌ترین مستند به خصوصیات کیارستمی عنوان می‌کند: «ما اینجا کیارستمی را می‌بینیم با تمام دغدغه‌های هنری و زیبایی‌شناسی‌اش، از قابی که برای گرفتن تصویر یک سگ، یک درخت، یک جاده و… می‌بندد تا کارگردانی ار دک و مرغابی‌ها و آدم‌ها». او در ادامه درباره تجربه‌گرایی کیارستمی و رهایی ذهنش از تمام قالب‌ها و کلیشه‌ها توضیحاتی ارائه می‌کند و با اشاره به بلانی از مستند مربوط به ساخت تیتراژ «سریازهای جمعه» توسط کیارستمی می‌گوید: «او حتی کار با دوربین دیجیتال را تجربه کرد، کاری که هیچ‌کدام از فیلمسازان ما جرأت نمی‌کردند به سراغش برند. اینجا(اشاره به فیلم می‌کند) جناب کیمیایی را دیدید که چطور از کار کردن با دوربین دیجیتال توسط او به وجد آمده، شجاعت این تجربه‌ها در زمانه‌ای که آدم‌ها انگازان می‌کنند کار سلب‌ریتی به او نگاه کنید یاخته‌اید، چرا که از او بت می‌سازید. امیر نادری در بخشی از صحبت‌هایش در پاسخ

به سؤال پرویز جاهد مبنی بر اینکه از چه زمانی تصمیم گرفته از کیارستمی تصویر بگیرد می‌گوید که از کیارستمی مستندنگار یکسردملکسب‌نسان معاصر دغدغه‌اش بوده است: «در دفتر مجله «تصویر»، یک آبدارچی داشتیم به اسم «مش صفر» که فکر کنم سه برابر آقای کیارستمی از ایشان تصویر دارم. قصد این است که بگویم من تصمیم‌نگرفتم از کیارستمی تصویر بگیرم ایشان یکی از زیباترین چهره‌های انسانی سوسی دوربین من بود ولی همیشه سعی کردم این دوربین برای کسی که ضد دوربین بود و از دوربین فرار می‌کرد، مزاحمت ایجاد نکند.» او در ادامه می‌افزاید: «در چنین تجربه‌ای اگر به چشم یک سلب‌ریتی به او نگاه کنید به شایسته و سزوارش بود قدرشناسی نشد.»



یک قدم پیش از فلاسفه

اکبر عالمی
ژان کوکتو گفت: هنرشناس فلسفه‌اندیش می‌گفت سینما و مدرسه سینما را هنر نمی‌شناسم تا

زمانی که تمام ابزار آن به سهولت قلم، قلم و موبوم نقاشی در اختیار همگان قرار بگیرد. ما آمدن دوربین دیجیتال کیارستمی عمر این آرزوی ژان کوکتو را محقق شده بود. اینک ابزار سینما به سهولت یک قلم‌مو در اختیار همگان قرار بگیرد. اما سینما فراتر از این‌ها به جهان بینی نیاز دارد آنقدر که فلسفه یک قدم پشت سر کارگردانان تراز اول یا شانه به شانه آنها قدم بر می‌دارند. کیارستمی در کلاس درس به شاگردانش می‌گفت شما هم بدون اینکه در رشته سینما تحصیل کرده باشید می‌توانید با یک دوربین قد قوطی سیگار فیلم بسازید به شرط آنکه جهان بینی و خرد داشته باشید. هنر ارزشمند یا به پای فلسفه و اندیشه و خرد باید هر روز قوت بکشد. یعنی دوروز یک فیلمساز یا دانشجوی رشته هنر هرگز نباید شکل هم باشد. دوست داشتمی تا از همه این‌ها کیارستمی آدم کسی نبود، هرگز! به هیچ کس تملق نگفت، به سیاست و حزب علاقه نداشت، یک هنرمند کاملاً مستقل، اندیشمند و خلاق و ماندگار بود برای تاریخ هنر ایران زمین.



کیارستمی بودن

فرشته طائرپور
«۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه» دوباره‌به فیلمنامه‌نویس

یادم آمد که عباس کیارستمی از همان جاده‌هایی رد می‌شد که مسا از آن رد می‌شویم، به همان منظره‌هایی نظاره می‌شد که ما به آن نگاه می‌کنیم، به همان درخت‌هایی توجه می‌کرد که ما از جلوی آن عبور می‌کنیم و در همین‌هاست که فرق او و همه ما معلوم می‌شود. او از هر چیز کوچکی به وجد می‌آمد، به آن توجه می‌کرد و نگاه شاعرانه داشت و این گونه خود را در تاریخ سینمای جهان ماندگار می‌کرد. نمی‌گویم همه ما این قدرت را داریم ولی می‌توانیم حداقل مثل او به زندگی نگاه کنیم. هر کاری که انجام می‌داد با اشتیاق و لذت بود. حتی آشنیری و پختن یک کتوکوی ساده را با لذت انجام می‌داد و به خاطر همین بود که هر چه می‌ساخت لذت بخش بود. دستت درد نکند آقا صمد (سیف‌الله صمدیان)سبک فیلمت شبیه‌سبک فیلم‌های کیارستمی بودومن هنوز ندیدم کسی را شبیه کیارستمی که اینقدر دلنشین، باطمیننه و واقع‌گرا چیزی را ثبت کند و یک اتفاق کوچک را تبدیل به یک اتفاق بزرگ کند.



شهامت خود بودن

الهام فخاری
عباس کیارستمی عضو شورای شهر

و شهامت خود بودن و شهامت خود زیستن؛ خود زیستن در پرتعارض‌ترین میانه خاورمیانه که در آن واحد هم کشش هست هم رانش، در آن واحد هم خواستن هست، هم فروگاستن، در آن واحد یک فردممکن است هم بلندمرتبه‌گی را تجربه کند و هم نادیده گرفته شدن. این دلیری نه لزوماً حماسی و پر سر و صدا و است انجام دهد. او فراتر از قضاوت‌ها فقط به جاری و روان و پویا است. از سیف‌الله صمدیان سپاسگزارم که تمام این دقیقیت را برای ما به ارمانغان آورد تا باور کنیم کیارستمی زنده است، پویاست و جاری است. ما در آخرین نما با کیارستمی ادامه می‌دهیم روایت او را، ماهایی که دیده، خواهیم دید و به دنبالش خواهیم گشت. ترانه‌ها و آواهایی که او شنید را دنبال خواهیم کرد. در شورای شهر تلاش خواهیم کرد تا خشونت شهر و آنچه که آن را ناآرام و آلوده کرده کم کنیم. به امید روزی که این شورا نمایندگان دقیق‌تر و واقعی‌تر از همه بخش‌های جامعه بویژه اهل هنر داشته باشد.



فرهنگ

اعلام حکم قطعی پرونده کیارستمی

در آستانه سالگرد درگذشت کیارستمی، نتیجه دو سال پیگیری و شکایت خانواده این سینماگر از پزشک معالج و بیمارستان «جم» که کیارستمی پیش از عزیمت به فرانسه در آن بستری و همانجا تحت عمل جراحی قرار گرفته بود، اعلام شد. این حکم تنها به توییح کتبی پزشک معالج درج در پرونده و نشریه نظام پزشکی محل ختم شده است. روز گذشته محسن خلیلی، قائم‌مقام معاون انتظامی کل سازمان پزشکی در گفت‌وگویی با ایسنا گفته: با توجه به اینکه در این پرونده و در هیأت تجدید نظر استان، رأی به توییح کتبی با درج در پرونده و درج در نشریه سازمان داده شد، از طریق ریاست کل سازمان درخواست بررسی مجدد در این پرونده در هیأت عالی شد. به این ترتیب هیأت عالی نیز پس از رسیدگی، رأی هیأت تجدید نظر را تأیید کرد. البته پیش از این بهمن کیارستمی تأکید کرده بود که این حکم جدید نیست چرا که اسفندماه سال گذشته، ابلاغ شده و احتمالاً فقط اعلام رسمی می‌شود.

نقدینگی‌های سرگردان؛

فرستی برای بازار هنر

حراج تهران با همه حواشی‌اش برگزار شد اما نکته مهمی که نمی‌توان در بحث حراج و فروش آثار هنری از آن غافل شد، نقدینگی‌های سرگردان در کشور است که در بخش مسکن و ارز و طلا وارد می‌شود و در بیشتر موارد با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد. شکی نیست که با برنامه‌ریزی درست، همین نقدینگی می‌تواند وارد بازار هنر شود و درعین حال که موجب رونق بازار هنر می‌شود، از التهابی که بازار مسکن یا ارز در جامعه ایجاد می‌کند، بکاهد. در این راستا مجلس می‌تواند با تصویب طرح تشویقی و برداشت مالیات برای شرکت‌های بزرگ، آنها را تشویق به خرید آثار هنری کند. این مسأله از این جنبه پر اهمیت است که بالا بودن قیمت آثار هنرمندان برجسته ایرانی در داخل کشور موجب تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای خرید این آثار در بازارهای جهانی می‌شود و آنها اطمینان پیدا می‌کنند که می‌توانند آثار خریداری شده از هنرمندان ایرانی را به قیمتی بالاتر در بازار ایران بفروشند. این امر خود نشان می‌دهد که حراج تهران تا چه اندازه می‌تواند کمک‌کننده و پشتوانه حضور هنرمندان و آثار ایرانی در حراجی‌های خارج از کشور همچون بومازم، کریستیز، ساتبیز و… باشد. همچنین از این نکته نباید غفلت کرد که فروش آثار هنری علاوه بر برآورد کردن ارز و پول به کشور، یک حرکت فرهنگی است و موجب می‌شود که جهان بینی و فرهنگ ما را انتقال دهد، کاری که با هیچ بازار و حرکت اقتصادی دیگری امکان پذیر نیست.

آزمون ورودی

ارکستر فیلارمونیک تهران

آزمون ورودی ارکستر فیلارمونیک تهران برای سازهای زهی، روز جمعه پانزدهم تیرماه برگزار می‌شود.مهلت ثبت‌نام برای شرکت در این آزمون تا دوازدهم تیرماه است و هزینه ثبت‌نام ۵۰ هزار تومان (غیرقابل بازگشت) خواهد بود. مناقضات برای شرکت در این آزمون باید اطلاعات خود شامل رزومه هنری و قطعات انتخابی را به شماره واتس اپ (۰۹۳۷۴۱۰۶۶۶۰) ارسال کنند.

همراهی سالار عقیلی با علیزاده

تازه‌ترین کنسرت سالار عقیلی خواننده موسیقی ایرانی روزهای چهارشنبه سوم و پنجشنبه چهارم مرداد ماه سال جاری به آهنگسازی مهیار علیزاده و کارگردانی هنری رضا موسوی در تالار وحدت تهران برگزار خواهد شد.

دل و پشت ایرانیان نشکنی

شاید حتی عده‌ای از مخالفان که ایران را با حکومت شاه مساوی می‌دانستند از اینکه تکه‌ای از این حکومت جدا شود دردل خشنود و راضی بودند. برخلاف این گروه، عده‌ای هم بوده‌اند که در هر حال و با وجود هر شرایطی مسأله ایران و منافع ملی ایران را زیاد نبرده‌اند. به یاد دارم که در جمعی از خلبانان جان برکف و بی‌ادعای دوران دفاع مقدس که رنج‌های زیادی برای پیروزی در جنگ به جان خریدند، این رویکرد جلوه ویژه‌ای داشت. یاد مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی گرامی باد که همیشه دل‌نگران ایران بود و از افتخارات دفاع مقدس این حقیقت را به صراحت و تأکید حتی در کنار تندترین و کارشناسانه‌ترین انتقادهای بی‌ان می‌کرد که برای نخستین بار پس از یک جنگ طولانی هیچ چیز از خاک ایران جدا نشد. ما همه سرشنیان یک کشتی هستیم و در مواقع طوفانی هیچکس نمی‌تواند خود را از دیگران جدا کند تا تنهایی به ساحل نجات برسد. با بودن در کشتی با وجود طوفان‌ها و تلاطم‌ها راه نجات هست. اما در جدایی‌ها راهی برای نجات هیچکس نیست. حل مسائل ایران با مشارکت همه ایرانیان میسر است. اکنون که با قدری آشکار منافع ملی ایران تهدید می‌شود باید بیش از همیشه به همستگی و انسجام و ایستادگی اندیشید. کسی که در شرایط کنونی نگران ایران و ایرانی نیست شناسنامه‌اش چیزی را نشان نمی‌دهد. رقابت سیاسی نباید موجب صدمه زدن به منافع ملی ایران شود. جای خوشبختی است که رفتارهای حاکی از ضعف و پراکندگی در بین مردم خوب کشورمان راهی پیدا نکرده است. نمونه نزدیک آن حضور تیم ملی ایران در جام جهانی فوتبال در روسیه و برخورد صمیمانه مردم ایران در داخل و خارج از کشور با آنهاست و نشان می‌دهد که اتحاد پرشکوه ایرانیان چگونه می‌تواند الهام‌بخش بسیاری از جریان‌های سیاسی و اجتماعی روزگار ما باشد. از یاد نبریم که سی و چند سال پیش بهترین جوانان اقصی نقاط این مملکت در جبهه‌های جنگ شهید شدند تا ذره‌ای از خاک وطن آسیب نبیند. البته در طول تاریخ نمونه‌هایی از این دست در برابر تجاوزات حکومت عثمانی و بعدها در برابر زاده‌خواهی‌های روسیه و اتحاد جماهیر شوروی اشاره کرد. این موضوع نه فقط جنبه‌های مربوط به مرز و سرزمین و وطن جغرافیایی است بلکه می‌توان و باید از مجاهدت‌های مردمان این سرزمین در حفظ و گسترش فرهنگ و زبان ایرانی یاد کرد. فراموش نکنیم که نخستین مدارس جدید را رشیده در آذربایجان ایجاد کرد و نشان داد که فرهنگ نیز مانند مرز و بوم برای همه ایرانیان مهم است. به هر حال تجربه‌های دور و نزدیک تاریخی برای فهم بهتر شرایط چنین روزهایی مؤثر است که گاهی برای عزت و شکوه یک کشور لازم است که بسترهای مشارکت و حضور همه طبقات، همه گروه‌ها، همه آرا و اندیشه‌ها و صاحبان ذخایر مادی و معنوی فراهم شود تا همه با هم، به عرصه بیایند. که ایران یوغانی است خرم بهار/ شکفته همیشه گل کامکار نگر تا تو دیوار او نکتنی/ دل و پشت ایرانیان نشکنی